

قرآن و عقیده تثلیث

✽ توحید در تمام ادیان

✽ بطلان تثلیث در قرآن

✽ ریشه این عقیده

* * *
کتابخانه مدرسه فیضیه قم

✽ توحید در تمام ادیان

قرآن مجید که سر لوحه دعوتش توحید است؛ با هر گونه شرک و پرستش غیر-
 خدامبارزه نموده و برای اثبات توحید، و بطلان شرک استدلالات عقلی نموده است
 این کتاب آسمانی نه تنها توحید را نخستین درس معارف اسلامی
 دانسته بلکه دعوت همه پیغمبران را بر اساس توحید معرفی نموده
 و بر نامه همه ادیان بطلان داده است. شرک و پرستش غیر خدامیدانومی فرماید:
 «اگر در آسمان و زمین بجز خدای یکتا خدایان دیگری می بود هر آینه
 در آنها فساد پدید می آمد (و جهان آفرینش در اثر اراده خدایان متعدد نظم خود
 را از دست میداد و از بین می رفت، و اینکه جهان منظم است دلیل بر این است که
 در آن جز خدای یکتا خدائی نیست) پس منزله است خداوند از آنچه مشرکان
 توصیف میکنند *... آیا بجای خدای یکتا خدایانی گرفتند، بگو برهان خود را
 (ای مشرکین بر وجود خدایان متعدد) بیاورید، این ندای توحید (بر پایه
 برهان) بر نامه پیر و ان من و همه چنین دعوت کسانی است که پیش از من
 بودند آری بیشتر این مردم حق را نمیدانند پس از آن روی میگردانند * و ماهیج
 پیغمبری را نفرستادیم مگر آنکه با و وحی کردیم که بجز من خدائی
 نیست پس هر ابر استیاد بس * و گفتند مشرکان خدا فرزند گرفته است، خدا منزله

است (از این نسبت) بلکه آنها را که مانند فرشتگان و وزیر و مسیح فرزند خدا پنداشتند) بندگان مقرب خدا هستند که هرگز در گفتار بر خدا سبقت نگرفته ، و آنها بفرمان او عمل می نمایند ، (انبیاء : ۲۲-۲۷) .

بطوریکه ملاحظه میفرمائید قرآن مجید در این آیات از برهان نظم در آفرینش بر اثبات توحید و ابطال شرك استدلال نموده و رسالت همه انبیاء را بر پایه توحید معرفی کرده است . بنا بر این از نظر قرآن هر گونه شرك و تثلیث یا غیر تثلیث ، از منطبق پیغمبران دور بوده و ساحت مقدس پیغمبران الهی از این نسبتهای شرك آمیز منزّه و مبرا است .

بطلان تثلیث در قرآن

قرآن مجید ، درباره تثلیث نصاری و بطلان آن نیز با بیانه های گوناگون دلائلی ایسراد نموده ، و مخصوصاً پیروان عهدین را مخاطب ساخته ، و فرموده است :

دای اهل کتاب در دین خود غلو نکنید و درباره خدا سخنی جز حق نگوئید حضرت مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا و کلمه اوست که بمریم القاء نموده و روحی است از (جانب) او پس بخدا و همه فرستادگانش ایمان آورید و نگوئید خدا سه تا است (از این تثلیث) ، باز ایستید برای شما بهتر است ، جز خدای یکتا خدائی نیست و خدا منزّه است که او را فرزندى باشد (زیرا خدا جسم نیست تا از او فرزند متولد شود ، و مثل و مانند ندارد تا خدائی مثل او تصور شود) زیرا هر چه در آسمان و زمین است ملک خدا است و او برای سر پرستی موجودات کافی است (و چنین خدائی از گرفتن شریک بی نیاز است) هرگز مسیح از بندگی خدا استنکاف ندارد (زیرا بندگی مالک آسمان و زمین و آفریننده همه موجودات بالا ترین کمال انسان است) و هر کس از بندگی خدا سرپیچی کند ، یزودی خدا همه آنها را بسوی خود محشور سازد و سرکشان را کیفر دهد (نساء : ۱۷۱ - ۱۷۲) .

و تحقیقاً آنانکه گفتند مسیح پسر مریم خداست کافر شدند با آنکه خود مسیح به بنی اسرائیل گفت : بهرستید خدائی را که خدای من و شماست ، و محققاً هر کس با شرك و رزد خدا بهشت را بر او حرام گرداند و جایگاهش آتش باشد ،

و برای ستمکاران یاری نیست * مسلماً کسانی که سه خدا قائل شده و گفتند خداوند سومی سه خدا است کافر شدند، در صورتیکه جز خدای یگانه خدائی نخواهد بود، و اگر باز نایستند از آنچه میگویند، میرسد با نهائی که کافر شدند عذابی دردناک * آیا باز گشت نمی کنند بسوی خدا (از این سخن ناروا آید) از او آمرزش (گناه خود را) نمی طلبند با اینکه خدا بخشنده و مهربانست * نیست مسیح پسر مریم مگر فرستاده خدا که پیش از او نیز پیغمبرانی آمده و مادرش هم زنی راست گردار بود، و هر دو (مانند سایر مردم) غذا میخوردند (و کسیکه مانند همه افراد بشر احتیاج بقذا داشته باشد چگونه خدائی است؟) بین چگونه آیات خود را روشن بیان میکنیم، آنگاه بین آنها از حق به کجا گردانیده میشوند! * بگو آيا شما غیر خدا کسیرا میپرستید که وجودش هیچ سود و زیانی برای شما ندارد با اینکه خدا است شنوا (که اگر او را بخوانیدش میشنود) و دانایا (بسود و زیان شما) * بگو ای اهل کتاب در دین خود غلو نکنید، و پیروی نکنید از هواهای قومیکه از پیش گمراه شدند و بسیاری را نیز گمراه نمودند و از راه راست دور افتادند. (مائده: ۷۲-۷۷)

«محققاً کافر شدند آنانکه گفتند مسیح پسر مریم، خداست، بگو: (ای پیغمبر) اگر خدا بخواهد عیسی و مادرش مریم، و هر که را در روی زمین است هلاک گرداند چه کسی می تواند جلو او را بگیرد؟ (و اگر عیسی خداست چرا قادر بحفظ جان خود نیست؟) در صورتیکه خدا مالک (و اختیار دار) آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست می باشد، هر چه را بخواهد می آفریند، و بر هر چیزی تواناست» (مائده: ۱۷)

«و یهود گفتند عزیز پر خدا و نصاری گفتند مسیح پسر خداست، این سخن آنهاست از دهانشان در صورتیکه آنان شبیه می سازند (سخن خود را) بسخن کسانی که از پیش کافر شدند خدا آنها را بکشد، چگونه از حق گردانیده میشوند! * علماء و راهبان خود را خدا شمرند و همچنین مسیح پسر مریم را، و حال آنکه جز آنکه خدای یگانه را پرستند مأور نبودند نیست خدائی جز او و منزه است از آنچه شریک اومی سازند» (توبه: ۲۹، ۳۰)

«آفرینش عیسی بدون پدر در نزد خدا مانند آدم است که بدون پدر و مادراو

را از خاک آفریده، (آل عمران ۵۲) .

در این آیات عیسی بنده و فرستاده خدا، و مادرش زنی پاکدامن معرفی شده و بر بطلان عقیده نصاری بر تثلیث چندین استدلال شده، که خلاصه آن این است :

۱- فقط خدا صاحب اختیار و سرپرست و مالک جهان آفرینش است بنابراین غیر او صاحب قدرتی نیست تا خداخواهنده شود.

۲- خداوند منزله است که فرزند نداشته باشد زیرا جسم نیست که از راه توالت و تناسل فرزندی باقی بگذارد

۳- عیسی (ع) بشری است مانند سایر مردم که از مادر متولد گردیده ، و مانند آنها برای ادامه زندگی نیازمند غذا است ، و اگر خدا بخواهد او و مادرش را فانی سازد عیسی و غیر او قادر بر جلوگیری از اراده خلل ناپذیر الهی نیستند و مسلماً چنین بشری با تمام فضائل انسانی که دارد خدا نمی تواند باشد و آفرینش شکست انگیز او بدون پدر نباید او را از مرز بشری خارج سازد ، زیرا آفرینش آدم بدون پدر و مادر شکست انگیز تر است ، با اینکه او را بشر دانسته و خدا نمی خوانید و همچنین پیش از او پیمبرانی دارای کمالات نفسانی و معجزات و خوارق عادات آمده اند که آنها را نیز خدا نمی دانید .

بنابراین اعتقاد بخدائی عیسی (ع) غلو در باره اوست که کفر میباشد ، و این غلو انحرافی است از دین حقیقی عیسی (ع) زیرا خود عیسی (ع) از بندگی خدا استنکاف نداشته و بنی اسرائیل را نیز فقط عبادت خدای یکتا دعوت نموده است .

پیریشه این عقیده

قرآن مجید تنها به بطلان تثلیث اکتفا نکرده ، بلکه در بعضی از آیات همانطور که ملاحظه شد می فرماید : که این تثلیث نصاری ، از مشرکین پیشین گرفته شده ، و این بیان اشاره بیک حقیقت تاریخی است که با توجه بآن ریشه این عقاید غیر معقول بدست می آید ، و آن حقیقت تاریخی این است که :

پیش از ظهور مسیحیت ، در پاره ای از نقاط دنیا مانند هند و چین و کلد و آشور عقیده بت پرستی بهمین شکل که در مسیحیت مشاهده می شود موجود بوده مخصوصاً عقاید بودائیان در هند (در باره تثلیث و فدا و آریوخته شدن یکی از خدایان برای نجات گناهکاران) کاملاً بعقاید

نصاری شباهت دارد .

بودائیان نیز میگویند: جهان دارای سه خداست و از این تثلیث در لغت خود به (تری مورتی) تعبیر میکنند که تری بمعنای سه و مورتی بمعنای اقا نیم است و این اقا نیم ثلثه به (برهما)؛ (فشنو) و (سیفا) نامیده شده و بعضی بجای (سیفا) (کرشنا) گفته اند ، و هر سه را متحد میدانند یعنی هر سه خدا يك خدا می باشند و نیز میگویند کرشنا برای نجات گناهکاران خود را فدا ساخته و بار آویخته شده است . (۱) .

با توجه به عقیده مسیحی ها و در باره تثلیث و فداکاری عیسی ، و تطبیق آن با این عقاید بودائیان ، بخوبی روشن میگردد ، که میان این دو عقیده فرقی نبوده جز تغییر دادن نامهای (برهما) و فشنو و (سیفا) به نامهای (خدا)؛ (عیسی) (و روح القدس) و نیز روشن می شود ، این عقاید غیر معتول پیش از مسیحیت نیز وجود داشته و نویسندگان انجیل آنها را در اناجیل خود نوشته ، و تثلیث را در مسیحیت پی ریزی کرده اند .

اینک ما خردمندان را بمقایسه میان توحید قرآن و تثلیث مسیحیت میخوانیم ؛ تا با میزان خرد آنها را سنجیده و گفتار حق را بس از تشخیص صحیح ، دور از هر گونه تعصب و تقلید بپذیرند .

(۱) برای توضیح بیشتر بکتاب «العقائد الوثنية فی الديانة النصرانية ، و تفسیر المیزان جزء ثالث ، مراجعه شود .

چه مکن که خود افنی

لا تفتب فتغتب ، ولا تحفر لایحک حفرة فتقع فیها ؛
فانک كما تدین تدان .

بد گوئی و غیبت (دگران را) مکن که تو را غیبت کنند و بد گویند ؛ و چاهی بر سر راهی مکن که خود در آن افنی ؛ زیرا هر کوه رفنار نمائی همانگونه پاداش داده میشود .

(امام صادق علیه السلام)